عنوان:

نقش واژه «عینک» در حدیث لا تنظر عينك إلى كل مفتون بها

|  |  |
| --- | --- |
| شناسنامه مطلب | |
| کد مطلب | e-n-2 |
| موضوع | نحو/منصوب به نزع خافض |
| موضوع مرتبط | نحو/فاعل ؛ صرف/ابواب ثلاثی مزید |
| رده | علمی/ادبیات عربی/نحو/کمک آموزشی/البهجة المرضیة/مثال و تطبیق |
| برچسب | منصوب به نزع خافض، فاعل، ثلاثی مزید، حب دنیا، فتنه، امام خامنه ای |
| توضیحات | - |

امام خامنه ای مدظله العالی در بیانات خود در آغاز درس خارج فقه‌، به وجوه مختلف نقش یک واژه در حدیث زیر می پردازند:

«علي عن أبيه عن السراد عن بعض أصحابه عن ابن أبي يعفور قال سمعت أبا عبد اللّٰه عليه السّلام يقول : فيما ناجى اللّٰه تعالى به موسى يا موسى لا تركن إلى الدنيا ركون الظالمين و ركون من اتخذها أبا و أما يا موسى لو وكلتك إلى نفسك لتنظر لها إذا لغلب عليك حب الدنيا و زهرتها يا موسى نافس في الخير أهله و أسبقهم [استبقهم] إليه فإن الخير كاسمه و اترك من الدنيا ما بك الغناء عنه و لا تنظر عينك إلى كل مفتون بها و مؤكل إلى نفسه و اعلم أن كل فتنة بدؤها حب الدنيا»[[1]](#footnote-1)

«و اترک من‌الدنیا ما بک الغنی عنه» آن چیزی از دنیا که به آن نیاز نداری و جزو حاجات تو نیست و زیادی است، ترک کن.

«ولا تنظر عینک الی کل مفتون بها». به چند روش میشود این عبارت را خواند:

* «ولا تنظر عَینُک» که عین، فاعل تنظر باشد؛ یعنی چشمت ننگرد.
* یا «ولا تنظر عَینِک» یعنی به چشم خود نشان نده.
* و یا «لا تنظر عَینَک» که منصوب به نزع خافض باشد؛ یعنی «لاتنظر بعینِک» یا «لا تنظّر عینَک» باشد، به این معنا که به چشم خود عرضه نکن.

«الی کل مفتون بها». کسانی را که مفتونِ به دنیا و فریفته آن هستند، «و موکل الی نفسه» و کسی را که به نفس خود یا به خود واگذار شده است و حمایت و توفیق الهی از او گرفته شده باشد، «واعلم ان کل فتنة بدؤها حب الدنیا»، همه فتنه‌ها با دوستی دنیا آغاز میشود. واقعش هم همین است. به دنیا که نگاه میکنیم، میبینیم که در طول تاریخ ریشه همه فتنه‌ها و گمراهیها و جاهایی که حقّ و باطل به هم مخلوط شده است، در حُبّ دنیاست. کسانی بوده‌اند که به خاطر حبّ به دنیا و مقام و جاه و حبّ به اهل و رفقا، کاری را شروع کرده‌اند و فتنه‌ای را به وجود آورده‌اند. واقعاً این موضوع یکی از آن حِکَم عجیب است. هر جای دنیا که نگاه میکنید، میبینید که همین گونه است.»[[2]](#footnote-2)

1. - الوافي، جلد 4، صفحه 398 [↑](#footnote-ref-1)
2. - ۱۴/۰۶/137۴ [↑](#footnote-ref-2)